

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴ **Scopus**

صص ۳۵-۵۹

موانع الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان (عراق)

دکتر زهرا احمدی پور* - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
محمود مبارکشاهی - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۵

چکیده

استان کرکوک یکی از مهمترین مناطق تحت منازعه میان کردها و دولت مرکزی عراق به‌شمار می‌رود که تمامی مذاکرات صلح میان احزاب کرد و دولت مرکزی عراق، از زمان تاسیس آن کشور تاکنون را تحت شعاع قرار داده است. سرنوشت این استان همواره یکی از مسائل مناقشه‌آمیز میان کردها و حکومت مرکزی عراق بوده است. کردهای عراق کرکوک را بخش جدایی‌ناپذیر سرزمین کردستان قلمداد کرده‌اند و رهبران کردستان عراق آن را «قلب کردستان» و «قدس کردستان» لقب داده‌اند و بارها در مواضع سیاسی خود اظهار کرده‌اند که حاضر به مصالحه درباره سرنوشت کرکوک نخواهند شد، از جانب دیگر حکومت مرکزی عراق، این استان را جزء مناطق کردنشین به‌شمار نمی‌آورد و حاضر به پذیرش خواست کردها، مبنی بر الحاق کرکوک به کردستان نشده است. فرض اساسی این پژوهش بر آن است که جایگاه ژئواکونومیکی کرکوک در سطح ملی و منطقه‌ای یکی از موانع جدی الحاق کرکوک به کردستان می‌باشد. پژوهش حاضر با رویکردی ژئوپلیتیکی و به‌شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و میدانی به بررسی موانع الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، ژئواکونومی، وزن ژئوپلیتیکی، کردستان، کرکوک.

۱- مقدمه

در کشورهای با تنوع قومی ناهمگون، روابط میان گروه قومی حاکم با سایر گروه‌ها، از موضوعات مهمی است که مورد مطالعه جغرافیدانان سیاسی قرار می‌گیرد. کشور عراق از جمله کشورهایی است که از ترکیب بسیار ناهمگون قومی و مذهبی تشکیل یافته و مخلوق و مصنوع مستقیم سیاستهای خاورمیانه‌ای کشور بریتانیا در قرن بیستم به‌شمار می‌رود.

کردها به‌عنوان دومین گروه بزرگ قومی و نژادی عراق محسوب می‌شوند که از بدو تأسیس آن کشور، تا سال ۱۹۹۱، در راستای دستیابی به حقوق سیاسی خود با رژیم‌های حاکم بر عراق به مبارزه پرداخته‌اند. در سال ۱۹۹۲ اولین دولت منطقه‌ای کردی در بخشی از کردستان عراق که از جانب نیروهای ائتلاف غربی به رهبری ایالات متحده آمریکا، به‌عنوان منطقه امن برای کردهای عراق در نظر گرفته شده بود، تشکیل یافت. منطقه‌ای که در آن دولت منطقه‌ای کردستان تشکیل شد شامل سه استان اربیل (هولیر)، سلیمانیه و دهوک می‌باشد که تقریباً نیمی از مناطق مورد ادعای تاریخی کردهای عراق محسوب می‌شود. منطقه مورد ادعای کردها شامل استان کرکوک و بخشی از استانهای موصل، دیاله و صلاح‌الدین می‌باشد. در این میان استان کرکوک یکی از مهمترین مناطق تحت منازعه میان کردها و دولت مرکزی عراق به‌شمار می‌رود که تمامی مذاکرات صلح میان احزاب کرد و دولت مرکزی عراق را از زمان تأسیس آن کشور تاکنون، تحت شعاع قرار داده است.

در بررسی موضوع الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان این سوال اساسی مطرح می‌گردد که: مهمترین مانع الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان (عراق) چیست؟
برای رسیدن به پاسخ سوال فوق فرضیه تحقیق به شرح ذیل تنظیم شده است: به‌نظر می‌رسد وزن ژئواکونومیکی کرکوک در سطح ملی و منطقه‌ای، مهمترین مانع الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان می‌باشد.

۲- روش تحقیق

روش مطالعه پژوهش حاضر، با توجه به نوع و ابعاد آن به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. در روش کتابخانه‌ای، بیشتر بر استفاده از اسناد و مدارک، کتب مربوطه، نشریات و

موانع الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان(عراق) ۳۷

مطبوعات، مقاله‌ها و مجلات، سایت‌های اینترنتی و نقشه‌های معتبر تأکید شده است. در روش میدانی نیز، با سفر به کردستان عراق و مصاحبه با تنی چند از اساتید و کارشناسان مربوطه به بررسی موضوع پرداخته شده است. همچنین در روش میدانی و در راستای پاسخ به سوالات و ارزیابی فرضیه‌ها از روش دلفی نیز استفاده شده است.

۳- مباحث نظری

۳-۱- ژئوپلیتیک

وارف در تعریف ژئوپلیتیک معتقد است که: «ژئوپلیتیک وابسته به حلقه‌هایی از فضا، قدرت و سیاست عملی است» (Warf, 2006:184). مولر نیز معتقد است: «ژئوپلیتیک در ارتباط با مراحل ایدئولوژیکی ساخت فضایی، تعیین حدود مرزهای سیاسی و فرهنگی فضای محلی و داخلی و جداسازی آن از تهدیدات دیگری، مد نظر قرار داده می‌شود» (Muller, 2008: 323). «ورما» هم بر نقش تعیین‌کننده عوامل جغرافیایی در سیاست حکومت و موقعیت نسبی قدرت کشورها، به‌طور مؤکد اذعان دارد (Verma, 2007: 3282). «فلینت» ژئوپلیتیک را مفهومی می‌داند که ایده‌های جنگ، سلطه و دیپلماسی را دامن می‌زند: ژئوپلیتیک ممارست کشورها به‌منظور کنترل و رقابت در راستای قلمرو می‌باشد (Flint, 2006: 13).

۳-۲- ژئواکونومی

ژئواکونومی به‌منظور تشریح تسلط و غلبه اقتصاد بر سیاست در مناسبات میان کشورها در سالهای اخیر، در جهان غیر هموار اقتصادی و در حال ائتلاف و همبسته اروپایی به‌کار گرفته شده است. در مجموع جغرافیدانها تصور خود را از ژئواکونومی به سه طریق ابراز می‌دارند: نخست: بررسی و مطالعه ارتباط میان منابع طبیعی داخل یک منطقه و سیاستهای نظارت و کنترل برصادرات این منابع.

دوم: مبحث قرابت خاص در ارتباط با الزامات اقتصادی، اقتصاد جهانی.

سوم: اشاره به تجارت، امور مالی و سرمایه بر فضای جهانی و سراسر حواشی و مرزها، با در

نظر داشتن وجوه سیاسی در پس چنین تحرکاتی (Mercille, 2008: 576).

۳-۳- از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی

به منظور فراهم نمودن مفهوم روشنی از ژئواکونومی که به عنوان اسلوبی جدید از استخوان بندی و نگارش حد فاصل جهانی - محلی در گفتمان ژئوپلیتیک، مقایسه‌ای میان ژئوپلیتیک و ژئواکونومی صورت گرفته است که در جدول شماره ۱ آمده است (Sparke and Lawson, 2008: 319).

جدول شماره ۱: مقایسه ژئوپلیتیک و ژئواکونومی

| ژئوپلیتیک | ژئواکونومی |
|--|--|
| توسعه آن به اواخر قرن نوزدهم بر می‌گردد. | - توسعه آن به اواخر قرن بیستم بر می‌گردد. |
| منشأ آن به اواخر امپراتوری‌ها بر می‌گردد. | - منشأ آن به اواخر جنگ سرد بر می‌گردد. |
| توسعه آن در زمان تقلیل تجارت آزاد و رشد آن در زمان سیطره ملی. | - توسعه آن هنگام افزایش تجارت آزاد و تقلیل خودمختاری ملی. |
| بازتاب مناقشه میان قلمروهای ملی بر سرهم‌مونی در سیستم جهانی. | - انعکاس مناقشه‌ها برای یک نوع همبستگی در سیستم جهانی که در آن آمریکا نه به صورت امپریالیستی تسلط دارد. |
| با آمدنش (دراواسط قرن بیستم) به نواحی متأثر از سیاست اقتصادی فوردیسم، شکل داد، جاهایی که خود را متعهد به: (الف) تمرکز حکومت؛ (ب) ملتزم به تساوی ثروت و درآمد؛ (ج) مدیریت رقابتی. | - الگوی بخشی به قلمروهای بعد از فوردیسم، مناطقی که متعهد بودن به: (الف) تمرکززدایی از حکومت؛ (ب) قطبی کردن اقتصاد اجتماعی؛ (ج) رقابت بی‌قاعده. |
| پیشانی ایدئولوژیکی در جایگزین‌های اقتصاد جهانی. | پیشانی ایدئولوژیکی با این ایده که برای اقتصاد جهانی جایگزین‌هایی وجود ندارد. |
| متفکران و نظریه‌پردازان آن در ارتباط با نظامی‌گری بوده‌اند همانند: هالفورد مکیندر و فردریک راتزل. | متفکران و نظریه‌پردازان آن در ارتباط با تجارت و بازرگانی بوده‌اند همانند: ادوارد لوتواک و کینشی اوهاما. |
| سیاست‌های عالی بر تسلط و هم‌پیمانی برای تأمین امنیت. | سیاست‌های عالی بر رقابت و مشارکت برای نفوذ اقتصادی. |
| موضوعات آرمانی: شهروندان و سربازان. | موضوعات آرمانی: مصرف‌کننده‌گان و سرمایه‌گذاران. |
| قلمروهای ذهنی و خیالی در حول بلوکهای حکومت ملت پایه (Nation State) و مرزهایی همانند «پرده آهنین». | قلمروهای ذهنی و خیالی در حول اتحاد کشور- منطقه و پیوندی همانند «شبهه یا وب». |
| تثبیت حواشی و سرحدات. | تثبیت شبکه‌ها بدون در نظر گرفتن مرزها. |

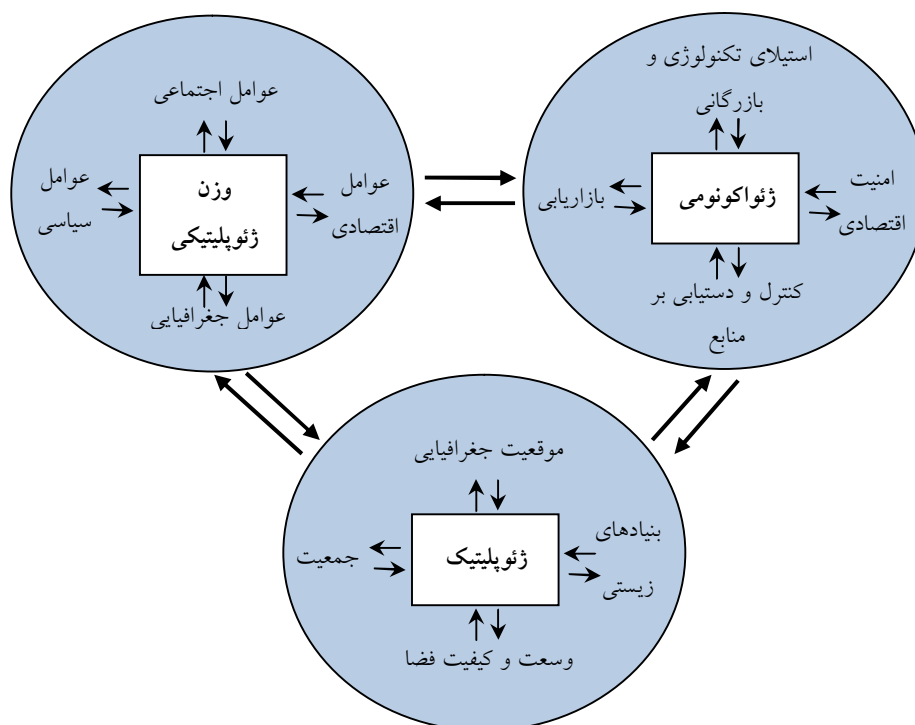
با پایان جنگ سرد، شرایط حاکم بر نظام بین‌المللی، مؤید تغییر رویکرد از استراتژی

سیاسی - نظامی به استراتژی اقتصادی است. در این باره اتوتایل می‌گوید: «پایان جنگ سرد باعث پدیدار شدن نظم جدید ژئوپلیتیکی تحت تأثیر مسائل و مشکلات ژئواکونومیک شده است یعنی دنیایی که جهانی شدن فعالیتهای اقتصادی، جریان‌های جهانی تجاری، سرمایه‌گذاری، کالاها و تصاویر، کشورها، اقتدار و ساختار جغرافیایی سیاره زمین را بازسازی می‌کنند» (Otuathail & others, 2005: 23).

امروزه پیمان‌های سیاسی و نظامی جای خود را به گروه‌بندی‌های منطقه‌ای (آ.سه.آن) و (نفتا) و همگرایی‌های منطقه‌ای (اتحادیه اروپا) داده است. اقتصادی شدن نظام جهانی، به موازات جهانی شدن نظام اقتصادی بازار آزاد، شکل گرفتن ساختار ژئوپلیتیک جهانی نوین بر اساس گروه‌بندی‌های اقتصادی منطقه‌ای چندگانه را حتمی ساخته است (Mojtahedzadeh & Askari, 2005: 100) و رخنه در بازارها جایگزین پایگاههای نظامی خارج از کشور قدرتهای بزرگ می‌شود (Ezati, 2000: 108).

با توجه به مطالب فوق‌الذکر، امروزه کنترل و دستیابی به منابع معدنی بویژه منابع نفت و گاز و همچنین مسیرهای انتقال آنها، ارائه خدمات (بازاریابی، بیمه) و انتقال کالا، تسهیلات گمرکی، سرمایه‌گذاری و امنیت آن، جذب سرمایه‌های خارجی، توسعه و بهبود تکنولوژی، بانکداری پویا، راههای ارتباطی مدرن و غیره... از عواملی می‌باشند که در افزایش منزلت و جایگاه ژئواکونومیک یک کشور یا منطقه جغرافیایی مؤثر بوده که به تبع آن نیز منجر به افزایش وزن ژئوپلیتیکی آن کشور یا منطقه جغرافیایی می‌گردد. وزن ژئوپلیتیکی عبارت است از ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی مؤثر در قدرت ملی یک کشور. به عبارت دیگر جمع جبری عوامل قدرت ملی (Hafeznia, 2005: 109).

شکل شماره ۱: ارتباه مفاهیم ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و وزن ژئوپلیتیکی



(the Authors)

۳-۴- نقش منابع انرژی در افزایش وزن ژئوپلیتیک

اهمیت منابع انرژی به حدی است که برخی کشورها تأمین مایحتاج انرژی خود را با امنیت ملی کشورهایشان برابر می‌دانند. کلاوز دادز می‌گوید: «گزارش کمیسیون سیاست خارجی آمریکا (۲۰۰۶) با عنوان «وابستگی آمریکا به نفت و پیامدهای آن برای امنیت ملی» توضیح می‌دهد که دولت بوش، به‌منظور متنوع ساختن منابع انرژی، سرمایه‌گذاری کافی در منابع تجدید شونده را اجتناب‌ناپذیر می‌داند». همچنین نیاز چین به انرژی در حال افزایش است، تخمین‌ها حکایت از آن دارد که تا سال ۲۰۲۵م، نیاز چین به نفت در حدود ۱۱ میلیون بشکه در روز خواهد بود (معادل تولید روزانه روسیه). افزایش تقاضا به نفت در چین در سال ۲۰۰۵ در حدود ۶ میلیون بشکه بود (Dodds, 2007: 77).

پیشرفت در تولید نفت و صادرات محصولات جانبی آن، یکی از چشم‌اندازهای جدید تنش و برخورد می‌باشد. در نمایش کشمکش بازیگران محلی، ملی و فراملی، برتری از آن کسی است که بر قلمرو منابع غنی، کنترل داشته باشد (Billon, 2005: 104).

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- موقعیت جغرافیایی استان کرکوک

از لحاظ موقعیت ریاضی استان کرکوک بر روی مدارات ۳۴ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۲ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی واقع شده است. شهر کرکوک نیز بر روی مدار ۳۵ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۴ درجه و ۲۱ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است (Mohamad khorshid, 2007: 57).

استان کرکوک از لحاظ موقعیت نسبی در مرکز شمال عراق و جنوب کردستان واقع شده است. این استان از شمال و غرب به استان اربیل، از شرق به سلیمانیه و از طرف جنوب به استان صلاح‌الدین منتهی می‌شود.



Source: www.kirkukpc.net

مساحت استان کرکوک با توجه به تقسیمات اداری و سیاسی سال ۱۹۵۷ در حدود ۲۰۳۵۵ کیلومتر مربع بود، اما به دنبال سیاست تعریب توسط رژیم بعث و منفک ساختن شهرستانهای اکثراً کردنشین کفری، دوزخورماتوو و چمچمال از استان کرکوک و الحاق آنها به استانهای مجاور، مساحت استان کرکوک بسیار محدود شد به طوری که در سال ۱۹۹۰ مساحت استان، به کمتر از نصف مساحت قبلی آن تقلیل یافته است (Aref hasan, 2009:106).

جدول شماره ۲: ترکیب جمعیتی استان کرکوک مطابق با آمار سال ۱۹۵۷

| گروه قومی | درصد جمعیت در استان کرکوک | درصد جمعیت در شهر کرکوک |
|----------------|---------------------------|-------------------------|
| کردها | ۴۸.۳ | ۳۳.۳ |
| عربها | ۲۸.۲ | ۲۲.۵ |
| ترک‌ها | ۲۱.۴ | ۳۷.۶ |
| کلدانی و آشوری | ۰.۰۰۴ | ۰.۰۱ |

Source: Oleary, 2008

مطابق سرشماری رسمی سال ۱۹۵۷ که توسط دولت عراق صورت گرفت جمعیت کل استان کرکوک در حدود ۳۷۳۴۴۰ نفر بوده است. با توجه به عدم سرشماری رسمی در عراق از زمان سقوط صدام تاکنون، تنها آمار موجود به صورت تخمینی در سال ۲۰۰۹ جمعیت استان کرکوک را حدود ۸۵۰۷۸۷ نفر نشان می‌دهد (Wikipedia, 2010).

جدول شماره ۳: پتانسیل‌های طبیعی استان کرکوک

| منابع فسیلی | بنیادهای زیستی |
|---|--|
| <ul style="list-style-type: none"> - میدان نفتی کرکوک یا باباگورگور؛ - میدان نفتی بای حسن؛ - میدان نفتی جمهور؛ - منابع گاز عین زاله، بوتما و بای حسن. | <ul style="list-style-type: none"> - خاک‌های حاصلخیز و غنی؛ - ریزش مناسب باران؛ - غنی بودن از لحاظ منابع آبی (عبور رودخانه‌های پرآبی مانند سیروان، زاب کوچک، خاسه و عرفه از این استان). |

در این قسمت و با توجه به یافته‌های موجود، به تبیین مهمترین موانع الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان (K.R.G) پرداخته می‌شود. اصولاً در تبیین و تشریح معضل کرکوک و مناطق تحت منازعه میان دولت مرکزی عراق و دولت منطقه‌ای کردستان چه قبل از سقوط صدام و چه بعد از آن، الگوی مدیریت سیاسی منطقه کاملاً متأثر از بنیان‌های زیستی و منابع زیرزمینی و سطحی منطقه بوده که هر کدام از طرفهای منازعه، با تاسی به رویکردهای تاریخی، فرهنگی و سیاسی مورد نظر خود، در این مناقشه به بیان برهان و استدلال پرداخته‌اند.

۲-۴- اهمیت و نقش ژئوپلیتیکی کرکوک از منظر دولت مرکزی عراق

کرکوک یکی از مناطق مهم و استراتژیک عراق محسوب می‌شود که از بدو تأسیس عراق مورد مناقشه کردها و دولت مرکزی عراق بوده است. دولت مرکزی عراق همواره با خواست کردها مبنی بر الحاق کرکوک به منطقه خودمختار کردستان مخالفت نموده که اهم دلایل دولت مرکزی عراق را می‌توان به شرح ذیل خلاصه نمود:

۱- الحاق کرکوک به کردستان به عدم موازنه قومی در عراق منجر خواهد شد، وزن ژئوپلیتیکی کردستان را در سطح ملی عراق افزایش خواهد داد.

۲- الحاق کرکوک به کردستان موجب دستیابی کردها به بخش اعظم منابع انرژی عراق خواهد شد.

۳- الحاق کرکوک به کردستان موجب خوداتکایی اقتصادی کردها شده و از وابستگی آنها به دولت مرکزی کاسته شده و زمینه مرکزگرایی آنها را تقویت خواهد ساخت.

۴- در صورت الحاق کرکوک به کردستان، بخش مهمی از درآمد نفتی عراق کاهش یافته و این مسأله موجب نابرابری های اقتصادی در مناطق جغرافیایی عراق خواهد شد.

۵- الحاق کرکوک به کردستان نه تنها تسلط دولت مرکزی عراق را به منابع عظیم انرژی خواهد کاست؛ بلکه بخش اعظم منابع آب و خاک مرغوب و همچنین یکی مراکز بازرگانی و مواصلاتی را از حیطه نظارت دولت مرکزی عراق خارج خواهد ساخت.

۶- الحاق کرکوک به کردستان، به تنشهای قومی در کرکوک و سایر مناطق عراق دامن زده و شرایط و زمینه مرکزگرایی مناطق شیعه‌نشین جنوب را نیز فراهم خواهد ساخت که این مسأله به شدت با مخالفت مناطق مرکزی عراق و بغداد که در حیطه نفوذ سنی‌ها می‌باشد، رو به رو بوده و دولت های غالباً سنی عراق با همین دیدگاه با الحاق کرکوک به کردستان مخالفت نموده‌اند.

۷- در شرایط کنونی و بعد از حدود بیست سال حاکمیت کردها بر منطقه خودمختار کردستان و تعمیق ناسیونالیسم قومی کردها، در صورت الحاق کرکوک به کردستان امکان اعلام استقلال و جدایی کردستان از عراق بیش از هر زمان دیگری دولت مرکزی عراق را دچار واهمه نموده است.

۳-۴- نقش کرکوک در افزایش وزن ژئوپلیتیکی کردستان (عراق)

در صورت الحاق کرکوک و مناطق تحت منازعه به اقلیم کردستان، دولت منطقه‌ای کردستان، از لحاظ ترمیم نقشه جغرافیایی منطقه به موفقیت بزرگی دست خواهد یافت و همچنین مساحت فعلی کردستان تقریباً به دو برابر افزایش یافته یعنی از ۴۰۰۰۰ هزار کیلومتر مربع فعلی به ۸۵۰۰۰ هزار کیلومتر مربع خواهد رسید که این خود موجب دستیابی دولت منطقه‌ای کردستان، به بخش مهمی از منابع غنی انرژی و همچنین منابع ارزشمند آب و خاک عراق خواهد شد. الحاق کرکوک و مناطق تحت منازعه به اقلیم کردستان همچنین موجب افزایش وزن جمعیتی کردستان از پنج و نیم میلیون به شش و نیم میلیون نفر خواهد شد. افزایش وزن جمعیتی کردستان تبعات مثبتی را هم از لحاظ افزایش بودجه دولت منطقه‌ای و هم از لحاظ توازن سیاسی در رقابت‌های انتخاباتی برای کردستان می‌تواند داشته باشد.

منطقه تحت حاکمیت دولت منطقه‌ای کردستان، بدون در نظر گرفتن مناطق تحت منازعه و کرکوک، از لحاظ وسعت جغرافیایی، منابع طبیعی بویژه منابع انرژی، منابع آب و خاک و جمعیت در شرایط مناسبی قرار ندارد و از لحاظ وضعیت ژئوپلیتیکی از اهمیت چندانی در سطح ملی و منطقه‌ای برخوردار نبوده و دولت مرکزی عراق نیز از زمان استقرار دولت منطقه‌ای کردستان در سال ۱۹۹۱، نسبت به محدوده فعلی کردستان عراق حساسیت چندانی از خود نشان نداده است. از دیدگاه دولت مرکزی عراق منطقه کرکوک به دلیل جایگاه ژئواکونومیکی برتر نسبت به سایر بخشهای کردستان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و مهمترین حوزه اجرایی نمودن سیاست تعریب به‌شمار می‌رفته است. در صورت عدم الحاق مناطق تحت منازعه به دولت منطقه‌ای کردستان، این منطقه از لحاظ اقتصادی و جایگاه سیاسی در برابر دولت مرکزی عراق از وزن ژئوپلیتیکی چندانی برخوردار نبوده و دولت منطقه‌ای کردستان، در معادلات سیاسی عراق، امکان مانور سیاسی را از دست خواهد داد. هرچند در سالهای اخیر در محدوده منطقه خودمختار کردستان عراق، شرکتهای نفتی غربی موفق به اکتشاف ذخایر مهم نفت و گاز شده‌اند و کردها مدعی‌اند ذخایر اکتشافی برای مدت مدیدی قادر به تأمین نیازهای انرژی کردستان و همچنین بودجه آن خواهند بود، اما با این اوصاف

کردستان بدون کرکوک، از لحاظ ژئوپلیتیکی از اهمیت کمتری برخوردار خواهد بود. ذکر این نکته لازم است که به دلیل عدم دسترسی به آمار مربوط به میزان ذخایر نفت منطقه خودمختار کردستان، امکان مقایسه میان ذخایر نفت این منطقه با ذخایر نفتی کرکوک و سایر مناطق عراق وجود ندارد.

۴-۴- اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی کرکوک در سطح ملی عراق

مهمترین مانع الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان، اهمیت ژئوپلیتیکی و وزن و جایگاه ژئواکونومیکی کرکوک نزد دولت مرکزی عراق می‌باشد که با توجه به سوابق تاریخی این مسأله حاضر به پذیرش خواست کردها مبنی بر الحاق کرکوک به کردستان نشد. مهمترین دلایلی که وزن و جایگاه ژئواکونومیکی کرکوک را در سطح ملی عراق برجسته نموده است عبارتند از:

- ۱- اهمیت استراتژیک کرکوک نزد اشغالگران بریتانیا و دولت جدید التأسیس عراق از بدو پیدایش تاکنون با عنایت به جایگاه ژئواکونومیکی آن در سطح ملی عراق.
- ۲- واقع شدن مهمترین و بزرگترین میادین نفتی عراق در کرکوک و پایین بودن هزینه استخراج نفت، به دلیل ساختار زمین شناسی آن.
- ۳- قرار گرفتن بخش مهمی از ذخایر گاز طبیعی عراق در استان کرکوک.
- ۴- سهم بالای تولید نفت خام عراق از میادین نفتی کرکوک از همان آغاز استخراج نفت در منطقه و نقش مهم آن در بودجه ملی عراق.
- ۵- میادین نفتی کرکوک بزرگترین تأمین کننده نفت خام پالایشگاههای عراق بویژه پالایشگاه بیجی بزرگترین پالایشگاه عراق در شمال آن کشور.
- ۶- اجرایی نمودن سیاست تعریب و هویت زدایی غیر عربی در استان کرکوک بعد از مشخص شدن اهمیت اقتصادی آن در دهه ۱۹۳۰ میلادی، با اجرای پروژه آبیاری حویجه و اسکان گسترده اعراب بادیه‌نشین در استان کرکوک و اخراج دسته‌جمعی کردها و ترکمنها از این منطقه.

۷- تغییرات اساسی در تقسیمات سیاسی و اداری استان کرکوک و منفک ساختن شهرستانهای کردنشین از این استان و الحاق شهرستانهای عرب‌نشین به آن و همچنین تغییر نام استان از واژه تاریخی «کرکوک» به «التأمیم» و تغییرات فرهنگی گسترده در شهر کرکوک در راستای هویت‌زدایی غیرعربی در آن.

۸- اهمیت تجاری و بازرگانی کرکوک و نقش موصلاتی آن در ارتباط شمال با مرکز و جنوب عراق و همچنین کشورهای همسایه.

۹- اهمیت فوق‌العاده کرکوک از لحاظ پتانسیلهای کشاورزی، باغداری و دامداری با توجه به منابع آب و خاک آن.

۵-۴- نقش کرکوک در روند مذاکرات میان دولت مرکزی عراق و کردهای آن کشور از بدو تأسیس تا سال ۱۹۹۱م

از زمان تأسیس کشور عراق، کردهای آن کشور خواهان دستیابی به حقوق سیاسی خود در قالب خودمختاری و فدرالیسم بوده‌اند. در جریان مبارزات و شورش کردها بر علیه دولت مرکزی عراق، در مقطعی دو طرف در راستای حل مسأله کرد، به مذاکرات می‌پرداختند و به نتایجی هم دست می‌یافتند، اما لاینحل ماندن مسأله کرکوک مذاکرات را به شکست می‌کشاند که دلیل اصلی آن نیز اهمیت ژئوپلیتیکی و جایگاه ژئواکونومیکی کرکوک در سطح عراق بوده است. مواردی که مسأله کرکوک موجب شکست مذاکرات میان دولت مرکزی عراق و کردها در فاصله تشکیل کشور عراق تا سال ۱۹۹۱م شد عبارتند از:

۱- شیخ محمود برزنجی یکی از رهبران کردهای عراق، در زمان تسلط بریتانیا بر دولت و کشور عراق خواهان تشکیل ایالت کردستان که متشکل از تمامی مناطق کردنشین عراق به همراه استان نفت‌خیز کرکوک بود. خواست شیخ محمود به دلیل ادعای الحاق کرکوک به کردستان با مخالفت بریتانیا و دولت دست‌نشانده عراق رو به رو شد. اعلام حکومت شیخ محمود در سلیمانیه در ابتدا مورد موافقت بریتانیا بود، اما گستره جغرافیایی حکومت کردی مورد نظر شیخ که شامل استان نفت‌خیز کرکوک می‌شد، بریتانیا را به شدت نگران ساخت. لذا

خواسته شیخ به دلیل در برگرفتن یکی از مهمترین حوضه های نفتی عراق با مخالفت جدی بریتانیا مواجه شد.

۲- بعد از شکست شورش شیخ محمود در کردستان عراق، این بار شورش کردی قسمتهای شمالی کردستان عراق را فرا گرفت که در محدوده عشایر بارزان بود. خانواده بارزانی‌ها در تاریخ مبارزات سیاسی ملت کرد، نقش بسیار مهمی ایفا نموده‌اند که بارزترین شخصیت آنها شخص ملا مصطفی بارزانی بود.

در بررسی مبارزات ملا مصطفی بارزانی رهبر کردهای عراق، مهمترین موضوعی که موجب شکست مذاکرات میان جنبش کردی و دولت مرکزی عراق شد، عدم موافقت دولت عراق در الحاق کرکوک به منطقه خودمختار کردستان بود.

موافقت نامه ۱۱ مارس ۱۹۷۰ شاید مهمترین دستاورد کردهای عراق تا قبل از سال ۱۹۹۱ م بود زیرا کردها با مبارزه لاینقطع خود دولت مرکزی عراق را وادار به پذیرش خواسته‌های خود نمودند. اما تعیین حدود منطقه خودمختار، بزرگترین چالش میان رهبری کردها و دولت مرکزی بود. کردها خواهان الحاق کرکوک به منطقه خودمختار بودند و آن را بخش جدایی‌ناپذیری از کردستان می‌نامیدند و در مقابل دولت مرکزی عراق به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی کرکوک برای دولت مرکزی و به بهانه ترکیب قومی در کرکوک به شدت با الحاق آن به کردستان به مخالفت می‌پرداخت.

۳- در سال ۱۹۸۴ اساس مذاکرات میان دولت مرکزی عراق و اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی حول محور خودمختاری و مسأله کرکوک بود. در این سال اتحادیه میهنی کردستان به منظور حل قضیه کرد در عراق با دولت مرکزی وارد گفتگو شد اما دولت مرکزی عراق با اینکه در جنگ با ایران بود و انتظار می‌رفت با حل مسأله کرد در آن کشور، قوای خود را در جبهه شمالی با ایران تقویت نماید، اما اهمیت استراتژیک کرکوک برای دولت مرکزی عراق، جنگ با ایران را به قیمت از دست دادن کرکوک به نفع کردها ترجیح می‌داد.

۴- بعد از انتفاضه کردها در شمال عراق و بازگشت احزاب کرد به داخل کردستان، جبهه کردستانی متشکل از احزاب عمده کرد، به نشانه حسن نیت در خصوص حل مسأله کرد،

هیأتی را برای مذاکره با دولت مرکزی عراق، روانه بغداد ساخت. در مذاکرات ماه چهارم ۱۹۹۱م، ابتدا دولت بغداد با همه موارد مورد بحث مذاکرات حتی بندهای مربوط به سرنوشت کرکوک و خانقین و شنگار موافقت نمود، اما دولت عراق به ناگاه تمامی موافقتنامه‌ها را زیر پا گذاشت و از گفته‌های خود پشیمان شد. بعد از ۹ نشست و گذشت ۵ ماه، مذاکرات به بن بست رسید.

۶-۴- وزن ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی کرکوک

یکی از مهمترین دلایل شکست مذاکرات میان رژیم‌های حاکم بر عراق تا قبل از سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳م و جنبش کردهای عراق، مسأله سرنوشت کرکوک و مناطق تحت منازعه بود. اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی کرکوک در عراق و منطقه، تأثیر اساسی در عدم توافق طرفهای درگیر در حل مناقشه و تعیین سرنوشت آن، داشته و خواهد داشت. از آنجایی که عوامل جغرافیایی نظیر موقعیت جغرافیایی، شکل سرزمین، وضعیت توپوگرافی، وسعت، بنیادهای زیستی (منابع آب و خاک و غیره...) و منابع طبیعی و منابع انرژی فسیلی نقش مهم و اساسی در تولید قدرت و افزایش وزن ژئوپلیتیکی بازی می‌نمایند، موقعیت جغرافیایی، منابع سرشار نفت و منابع ارزشمند آب و خاک در کرکوک از دیرباز وزن ژئوپلیتیکی این استان را در مقایسه با سایر استانهای عراق به‌نحو شایسته‌ای برجسته نموده است. در این میان، نقش منابع فسیلی در افزایش وزن ژئوپلیتیکی استان کرکوک در عراق از سایر عوامل دیگر بسیار برجسته می‌نماید.

استان کرکوک علاوه بر اینکه در گذشته از مراکز مهم بازرگانی در عراق و کردستان به‌شمار می‌رفت اما بعد از اکتشاف نفت در آن در سال ۱۹۲۷م، این منطقه به شاه‌رگ اقتصادی عراق تبدیل شد.

در جریان بیشتر مباحث مربوط به وضعیت کرکوک، کانون و مرکز ثقل مباحث منابع سرشار نفت آن می‌باشد در حالی که کردها، از لحاظ تاریخی مدعی این سرزمین‌ها می‌باشند. بسیاری از رهبران کرد، این مسأله را رد می‌کنند که هدف آنها از فراندن کرکوک، ثروت نفتی

آن می‌باشد.

تمرکز بخش مهمی از ذخایر انرژی عراق در کرکوک، یکی از مهمترین دلایل الحاق ولایت موصل به عراق بود. لذا دولت عراق در راستای تغییر دموگرافیک کرکوک، به پیاده نمودن سیاست تعریب در منطقه پرداخت.

جدول شماره ۴: میزان تولید نفت عراق و درآمد حاصل از آن در سال ۱۹۷۰م

| نام شرکت | میزان تولید | درآمد حاصله |
|-----------------------|-------------|-----------------|
| شرکت نفت عراق (کرکوک) | ۵۷۸۰۲۸۱۶ تن | ۱۴۳۳۲۵۹۳۶ دینار |
| شرکت نفت بصره | ۱۷۳۴۰۱۰۶ تن | ۳۶۶۹۳۶۱۹ دینار |
| شرکت نفت موصل | ۱۳۰۲۰۴۶ تن | ۳۰۸۸۶۱۹ دینار |
| مجموع کل | ۷۶۴۴۴۹۶۸ تن | ۱۸۳۱۰۸۲۱۵ دینار |

Source: Mohamad khorshid, 2007

احزاب کرد عراق معتقدند که الحاق کرکوک به کردستان یک ادعای تاریخی است و اینک کرکوک همواره بخش جدایی‌ناپذیری از کردستان تلقی شده و مسأله نفت مستمسکی برای دولت مرکزی عراق بوده که به وسیله آن، از حاکمیت کردها بر کرکوک جلوگیری نماید.

۷-۴- اهمیت ژئوپلیتیکی کرکوک از دیدگاه اقوام ساکن در آن

استان کرکوک به‌عنوان یکی از استانهای بسیار مهم عراق، اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی در سطح عراق داشته و لذا هر کدام از اقوام ساکن در کرکوک و بویژه کردها و ترکمنها با کردستانی و ترکمنی خواندن آن، تلاش می‌نمایند که هویت قومی خود را بر این استان قالب نمایند. آنچه واضح و مبرهن است تعیین سرنوشت کرکوک به‌نفع هر کدام از اقوام ساکن در کرکوک، موجب افزایش وزن و جایگاه ژئوپلیتیکی آن در سطح ملی عراق و منطقه خواهد شد. دیدگاه کردها و ترکمنها را در خصوص هویت و سرنوشت کرکوک را به اختصار و در قالب جدول شماره ۵ ارائه می‌گردد.

جدول شماره ۵: هویت و جایگاه کرکوک از منظر کردها و ترکمن‌ها

| ترکمن‌ها | کردها |
|---|---|
| - استناد به سابقه فرهنگی و تمدنی در شهر کرکوک؛ - استناد به آمار ۱۹۵۷ که در آن اکثریت شهر کرکوک را ترکمن‌ها تشکیل می‌داده‌اند؛ - استناد به سابقه فعالیت‌های روزنامه‌نگاری و آموزش و پرورش؛ - سابقه فعالیت‌های تجاری و بارزگانی؛ - مخالفت با الحاق کرکوک به کردستان در گذشته و حال؛ - عدم مشارکت در جلسات شورای استانی کرکوک بعد از انتخابات ۲۰۰۵ م؛ - عدم همراهی سیاسی با کردها در سطح ملی و استانی. | - تسلط و حکومت کردها بر منطقه از لحاظ تاریخی - کردستانی بودن منطقه با توجه به سفرنامه‌های جغرافیدانان، مورخین و مستشرقین - کردستانی بودن منطقه با استناد به دایره‌المعارف‌های جهانی و نقشه‌های معتبر؛ - اکثریت بودن کردها در استان کرکوک با توجه به آمار رسمی سال ۱۹۵۷ م؛ - اجرای سیاست تعریب به هدف نابودی هویت کردی منطقه؛ - مبارزات دائمی و بدون انقطاع در راستای الحاق کرکوک به کردستان؛ - استناد به نتایج انتخابات شورای استانی کرکوک و پارلمانی عراق در سال ۲۰۰۵ م. |

۸-۴- رویکرد ترکیه در قبال الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان

ترکیه به‌عنوان یکی از مهمترین بازیگران در عرصه سیاست داخلی و خارجی عراق و به‌عنوان یکی تأثیرگذارترین کشورهای منطقه در امور کردستان به‌دلایل ذیل مخالف جدی الحاق کرکوک به کردستان عراق بوده و می‌باشد:

- افزایش وزن ژئوپلیتیکی کردستان در سطح ملی و منطقه‌ای؛
 - فراهم شدن زمینه استقلال کردستان از عراق؛
 - به خطر افتادن تمامیت ارضی ترکیه؛
 - تهییج سیاسی کردهای ترکیه در صورت استقلال کردستان عراق؛
 - افزایش تهدیدات حزب کارگران کردستان (P.K.K)؛
 - به خطر افتادن جایگاه سیاسی و اجتماعی ترکمن‌های عراق.
- در یک نگاه کلی و با توجه به مطالب ذکر شده، استان کرکوک در سطح ملی عراق دارای مزیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی برجسته‌ای می‌باشد که از منظر دولت مرکزی عراق و

دولت منطقه‌ای کردستان، در قالب جدول شماره ۶ ارائه می‌گردد.

جدول شماره ۶: اهمیت ژئوپلیتیکی کرکوک از منظر دولت مرکزی عراق و دولت منطقه‌ای کردستان

| از منظر دولت مرکزی عراق | از نظر دولت منطقه‌ای کردستان |
|---|---|
| <ul style="list-style-type: none"> - اهمیت استراتژیکی آن از بدو پیدایش کشور عراق تاکنون؛ - واقع شدن مهمترین و بزرگترین میدین نفتی عراق در کرکوک؛ - اهمیت منطقه از لحاظ ژئواکونومیکی در سطح ملی کشور عراق؛ - اهمیت بازرگانی و مواصلاتی؛ - اهمیت منطقه از لحاظ توازن سیاسی در میان اقوام ساکن در عراق. | <ul style="list-style-type: none"> - اهمیت منطقه از لحاظ سیاسی و تاریخی؛ - جایگاه ژئواکونومیکی در ارتقای وزن ژئوپلیتیکی کردستان؛ - افزایش وزن ژئوپلیتیکی کردستان از لحاظ جمعیت و مساحت؛ - ارتقای سیاسی و کاهش وابستگی به دولت مرکزی؛ - تثبیت قدرت دولت منطقه‌ای کردستان در سطح داخلی و منطقه‌ای. |

۵- تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

بررسی و تجزیه و تحلیل یافته‌ها با توجه به سوال و فرضیه تحقیق به صورت زیر ارائه می‌گردد:

۱- مسأله مناقشه‌برانگیز سرنوشت کرکوک و مناطق تحت منازعه میان دولت مرکزی عراق و دولت منطقه‌ای کردستان، ریشه‌های تاریخی داشته و از بدو پیدایش دولت عراق در سال ۱۹۲۳م، کردهای آن کشور، یعنی ساکنان اصلی ولایت موصل عثمانی یا کردستان جنوبی، به صورت مداوم و بدون انقطاع در راستای مطالبات سیاسی خود با رژیم‌های حاکم بر عراق در حال مبارزه بوده‌اند و در این مبارزات نیز مسأله حاکمیت بر استان کرکوک از مهمترین محورهای مذاکرات میان دولت مرکزی عراق و جنبش کرد بوده است.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مهمترین دلیل شکست مذاکرات میان ملا مصطفی بارزانی رهبر کردهای عراق و حکومت بعثی حسن البکر در مارس ۱۹۷۰، مسأله تعیین محدوده اداری- سیاسی دولت خودمختار کردستان بود که شامل استان کرکوک نمی‌شد و همین موضوع موجب شکست مذاکرات در سال ۱۹۷۴م شد و مجدداً دولت مرکزی عراق را وارد جنگ با کردهای آن کشور کرد. همچنین مهمترین محور مذاکرات میان اتحادیه میهنی کردستان

به رهبری جلال طالبانی و دولت مرکزی عراق در سال ۱۹۸۴م، و همچنین مذاکرات میان جبهه کردستانی (متشکل از احزاب سیاسی کردستان) با دولت مرکزی عراق در سال ۱۹۹۱م، تعیین محدوده جغرافیایی کردستان و بویژه سرنوشت استان کرکوک و سایر مناطق تحت منازعه بوده است.

بعد از سرنگونی رژیم بعث عراق در سال ۲۰۰۳م به وسیله هم‌پیمانان به رهبری ایالات متحده آمریکا و بازگشت گروه‌های معارض عراقی به کشور و تشکیل شورای حکومتی موقت و دولت انتقالی، یکی از موضوعات جدی میان دولت منطقه‌ای کردستان و احزاب سیاسی عراق (شیعه و سنی)، حل مسالمت‌آمیز مسأله سرنوشت کرکوک و مناطق دیگر تحت منازعه بوده که انعکاس آن را می‌توان در ماده (۵۸) از قانون موقت دولت در مرحله انتقالی و همچنین ماده (۱۴۰) قانون اساسی عراق یافت. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، احزاب سیاسی کردستان و رهبران آنها، استان کرکوک را از لحاظ تاریخی و جغرافیایی بخش جدایی‌ناپذیری از کردستان می‌دانند و ضمن تأکید بر کردستانی بودن آن، منکر وجود اقلیت‌های اصیلی همچون ترکمنها، آشوری و کلدانی‌ها و اعراب در این منطقه نیستند. لذا خواستار حل مسالمت‌آمیز تعیین سرنوشت کرکوک در چارچوب ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق فدرال می‌باشند.

۲- در پاسخ به سوال تحقیق «مهمترین مانع الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان چیست؟» با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در بخش یافته‌های تحقیق، می‌توان به نتایج ذیل دست یافت:

الف: در بررسی تاریخی قضیه کرکوک و با عنایت به مفاد مذاکرات میان جنبش سیاسی کردستان و دولتهای حاکم بر عراق، مهم‌ترین دلیل عدم موافقت دولت مرکزی عراق در الحاق کرکوک به کردستان، وزن ژئوپلیتیکی و جایگاه ژئواکونومیکی این منطقه در عراق می‌باشد. زیرا قرار گرفتن بخش مهمی از ذخایر نفتی عراق در استان کرکوک، موقعیت ارتباطی میان مرکز و شمال و همچنین پتانسیل بالای کشاورزی و دامداری منطقه، موجب افزایش وزن ژئوپلیتیکی این منطقه نسبت به سایر مناطق عراق شده است. لذا از دیدگاه حاکمان سیاسی بغداد، الحاق کرکوک به کردستان، نه تنها دولت مرکزی عراق را در تنگنای اقتصادی قرار

خواهد داد، بلکه شرایط مناسبی برای استقلال کردستان از عراق فراهم نموده و تمامیت ارضی عراق به مخاطره خواهد افتاد.

ب: در بررسی منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و همچنین در مطالعه میدانی که در محیط تحقیق صورت گرفت، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مهمترین مانع الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان، وزن ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی کرکوک می‌باشد.

نتایج حاصل از روش دلفی

فرضیه «به نظر می‌رسد جایگاه ژئواکونومیکی کرکوک در سطح ملی و منطقه‌ای یکی از موانع جدی الحاق کرکوک به کردستان می‌باشد». در راستای ارزیابی فرضیه تحقیق و با توجه به موانع موجود در مطالعه میدانی محل (کرکوک)، از روش دلفی یعنی نظرخواهی از اساتید مربوطه استفاده شده است. نتایج حاصله از پرسشنامه عودت داده شده از جانب ۲۵ نفر از پرسش شونده‌گان، در مجموع ۱۹ نفرگزینه خیلی زیاد و زیاد را در نقش و تاثیرگذاری فرضیه مورد نظر در عدم الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان دانسته‌اند.

| فرضیه تحقیق | |
|---------------|--------|
| مقدار خن دو | 20.600 |
| درجه آزادی | 3 |
| سطح معنی داری | 0/000 |

برای ارزیابی فرضیه تحقیق از آزمون خن دو (کای اسکوار) استفاده شده است. نتایج به دست آمده بیانگر این است که مقدار خن دو برای تأثیر جایگاه ژئواکونومیکی کرکوک در سطح ملی و منطقه‌ای در عدم الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان (عراق) ۲۰.۶۰ می‌باشد و چون این مقدار از مقدار بحرانی بزرگتر است و سطح معنی‌داری محاسبه شده $\text{sig} = 0/000$ کوچکتر از آلفای ($\alpha = 0/05$) است لذا فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، جایگاه ژئواکونومیکی کرکوک در سطح ملی و منطقه‌ای یکی از موانع جدی الحاق کرکوک به کردستان می‌باشد. لذا با توجه به مطالب فوق، فرضیه پژوهش به اثبات می‌رسد.

۶- نتیجه‌گیری

سرنوشت استان کرکوک و مناطق تحت منازعه، می‌تواند به‌عنوان جدی‌ترین مسأله فی ما بین دولت مرکزی عراق و دولت منطقه‌ای کردستان بعد از سقوط رژیم بعثی در عراق باشد. از دیدگاه کردها، استان کرکوک بخش جدایی‌ناپذیری از مناطق کردنشین عراق به‌شمار می‌رود که تمامی مذاکرات میان دولتهای مرکزی عراق و جنبش کرد در کردستان عراق، به‌منظور حل مسأله کرد، متأثر از سرنوشت کرکوک بوده و تمامی مذاکرات میان کردها و دولت مرکزی عراق در زمان رژیم‌های پادشاهی و بعثی در عراق، به‌دلیل عدم تفاهم در رابطه با سرنوشت کرکوک به شکست انجامیدند. عدم حل مسأله کرکوک می‌تواند روابط میان دولت مرکزی عراق و دولت منطقه‌ای کردستان را بحرانی نماید به‌گونه‌ای که نه تنها کشور عراق بلکه کشورهای مجاور را نیز به‌طور مستقیم و غیر مستقیم درگیر نماید. لذا اهمیت مسأله کرکوک و کنکاش در مسائل و موانع تفاهم دولت مرکزی عراق و کردهای آن کشور، می‌تواند به‌عنوان یکی از موضوعات اساسی مورد بررسی در حوزه جغرافیای سیاسی باشد.

کردستان عراق یا به عبارت دیگر محدوده جغرافیایی مد نظر کردهای عراق شامل استانهای اربیل(هولیر)، سلیمانیه، دهوک، کرکوک و مناطق کردنشین استانهای موصل، دیاله و صلاح‌الدین می‌باشد که از سال ۱۹۹۱م، سه استان اربیل، سلیمانیه و دهوک تحت حاکمیت احزاب کرد قرار گرفته‌اند و عملاً دولت مرکزی عراق هیچ‌گونه قدرتی در مناطق مذکور ندارد. بعد از سرنگونی رژیم بعثی در عراق و همزمان با عملیات نیروهای آمریکایی در عراق نیروی پیشمرگ کردستان با هماهنگی نیروهای ائتلاف، به آزادسازی استان کرکوک پرداختند و بخش عمده‌ای از کردهای رانده شده از کرکوک در زمان صدام به کردستان بازگشتند. بعد از تشکیل اولین حکومت موقت در عراق بعد از صدام، مهمترین و اصلی‌ترین خواسته کردها، تعیین سرنوشت کرکوک و مناطق تحت منازعه با دولت مرکزی عراق بود که با تلاش و انسجام ائتلاف کردی در شورای تدوین قانون اساسی عراق، ماده ۵۸ در قانون موقت دوره انتقالی و ماده ۱۴۰ در قانون اساسی دائم عراق، به حل مرحله‌ای سرنوشت استان کرکوک و مناطق تحت منازعه اختصاص یافت.

با وجود اینکه از زمان سقوط رژیم صدام در سال ۲۰۰۳، مدت ۱۲ سال می‌گذرد و با عنایت به ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق، می‌بایستی سرنوشت استان کرکوک و دیگر مناطق مورد اختلاف تا پایان سال ۲۰۰۷م، مشخص می‌گردید، اما تاکنون مسأله کرکوک حل و فصل نشده و شواهد و قرائن، حاکی از مانع تراشی در راستای اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق از جانب گروه‌های مختلفی در دولت مرکزی عراق می‌باشد.

با توجه به تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، در شرایط کنونی کشور عراق و با توجه به کشمکش‌های مذهبی و همچنین همگرایی‌های شدید قومی و منطقه‌ای به‌جای همگرایی ملی، مانع تراشی گروه‌های مختلف در عراق در اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق و دخالت‌های منطقه‌ای و بویژه مداخلات صریح کشور ترکیه در قضیه کرکوک و متشکل ساختن اقلیت ترکمن در کرکوک در قالب «جبهه ترکمانی عراق» و عدم پابندی دولت مرکزی عراق در اجرای مفاد کامل قانون اساسی آن کشور بویژه ماده ۱۴۰، که صراحتاً به حل مسالمت‌آمیز و مرحله‌ای قضیه سرنوشت کرکوک و دیگر مناطق تحت منازعه اذعان دارد، الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان با عنایت به مطالب فوق‌الذکر، دور از انتظار خواهد بود.

۷- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس به‌دلیل حمایت‌های صورت گرفته در انجام پژوهش حاضر، کمال تشکر و قدردانی را به‌عمل آورند.

References

1. Abdulla, Xebat(2001), the basic theory of milltary geographice in southern kurdistan. sulaimani Tishk, poblication [in Kurdish].
2. Asadi Ali Akbar (2008), Iraq after saddam and the regional actores, vice of grope for midel east and persian golf foring polecy researches [in persian].
3. Ase Sard, Farid(2000), kurdistan and national security problems, sulaimani, the center of kurdistan stratigice researches[in kurdish].
4. Azizi, Star (2006), Minority protetction in international law, Hamadan, Noor E Elm publication [in persian].
5. Crisis Group(2007), Iraq and the kurd: Resolving The kirkuk Crisis, Middle East Report, N64.
6. Dafild Jan, S (2005), Oil & Iraq, translated by; Kambiz Pataziyan, andishe bahgahe publication [in persian].
7. Derasdel Alasdayer ,Ach Blick,Jerald, the Middle East and north Africa: A political georaphy ,translated by: Darre Mirhaydar, fourth published, Tehran,foring ministary publishing [in persian].
8. Eissa Mella Omer, Salih (2000), super power's crisis creation in iraqi kurdistan, Tehran, Tawakoli publication [in persian].
9. Eizzadi, Mehrdad(2000), kurdistan environment, sulaimani, the center of kurdistan stratigice researches [in Kurdish].
- 10.Elizabeth Ferris(2008), Senior Fellow and co- Direto, The Future of kirkuk: Reeerendum and Its Potential Impacton Displacement, Unversity of bern.
- 11.Entesar, Nader (2006), power mafia, explanation of kurds race_nation nationalism, translated by: Erfan Qaneiy Fard, Tehran, Publisher, aouthore [in persian].
- 12.Ezati, E (2005), an explanatory on iran & iraq geopolitice. Tehran, the office inter national and political publication [in persian].
- 13.Ezzati, E (2003), an explanatory on african geoeconmy effects on iranian security, tehran, season publication for study about africa [in persian].
- 14.Faraj Fatih, latif(2002), kurd & kirkuk, translation: Mohammad Sadiqi, political, cultural, & community season publishing, Rave , no 3 [in persian].

15. Ghefur, Abdulla (2005), The geography of kurdistan. Erbil. The ministry of literature publication [in Kurdish].
16. Hafeznia, Mohammad Raza (2007), the effect of northern Iraq Kurds self-governing on neighboring countries, seasonal geographical researches, no.83 [in Persian].
17. Heme Tahir, Abdurhman, Axjelery, Pishko (2007), Kirkuk city between (1917-1926). Sulaimani, the center of wisdom & intelligent. (PUK).
18. Henry D, Astarjian (2007), The struggle for Kirkuk, The Rise of Hussein, Oil, and the Death of Tolerance in Iraq, London, Praeger Security International.
19. International Crisis Group (2006), Iraq and Kurds, The Brewing Battle over Kirkuk, Executive Summary and Recommendations, Middle East, N.5.
20. Kandal & Others (1994), the Kurds, translation: Ebrahim Yunesi, Tehran, Roozbehan publication. [in Persian].
21. Karimi Pur, Yadulla (2000), A preface on Iran and neighborhood, Tehran, the publication of "jahad daneshgahi" the university of tarbiyat modares [in Persian].
22. Khoshnaw, Tufiq, Jasim (2002), Kurdish case and intentional law, Sulaimani, the center of Kurdistan strategic researches.
23. Kinan, Drek (1997), the Kurds & Kurdistan, translation: Ebrahim Yunesi, Tehran, Negah publication [in Persian].
24. Kochera, Kress (1994), Kurdish national movement, translation: Ebrahim Yunesi, Tehran, Negah publication [in Persian].
25. Lima Anderson and Careth Stansfield (2004), The future of Iraq, Dictatorship, Democracy, or Division?, New York, Palgrave Macmillan.
26. Mercille, Julien (2008), The radical geopolitics of U.S. foreign policy: Geopolitical and geoeconomic logics of power, Dublin, Ireland.
27. Mir Heydar, Dorrah (1992), the basis of political geography, Tehran, SAMT publication [in Persian].
28. Mojtahed Zadeh, Pirouz (2002), the political geography and geopolitics, Tehran, SEMAT [in Persian].
29. Mokhtari Hashi, Hosain and Ghaderi Hajat, Mostafa (2008), the Middle East hydro-politics in the horizon of 2025, exposed study. The Tigris & Euphrates area, and Jordan & Nile river, Tehran, geopolitics season publication. fourth year, no. first [in Persian].
30. Nami, Mohammad Hassan & Mohammad Por, Ali (2008), the geography of the Iraq with the emphasis on geopolitical issues, Tehran, the publication of geographical military forces organization [in Persian].

31. Omar Gol, Maaruf (2002), the basis of organizing kurdish government in southern kurdistan, translated by: mohammad bayezidi, political,cultural,& community seaseone publishing, RAVE , no 3 [in persian].
32. Rabiai, Hossain (2005), Iraqi Oil: the power's competition and the future of Persian Gulf , Tehran, the second congress almanac articalrs of iranain geopolitice society [in persian].
33. Rendel, Janatan (2001), Aftar such Knowledge,what forgviness? My encounters with Kurdistan,Translated by: ebrahim yonesi, tehran, panyz publication [in persian].
34. Shwani, Rafiq(2007), kirkuk problem and the way to solve. Erbil aras poblication [in Kurdish].
35. Solovyev, G. Eduard (2004), Geopolitics in Russia- Science or Vocation, Moscow, Russia.
36. Summary, Event(2008), Article 140 and The Future of Iraq, the Washington Kurdish Institute(wki).7:Nakip, mahir, The identity of kirkuk, 2004, Columbia University Turkmen symposium.
37. Talabani,Noori (2002), the policy of race basic changesin kirkuk in the past till now, translated by: Azad Arami, political,cultural,& community seaseone publishing, Rave, No 3 [in persian].
38. Talib, Tufiq, Jeza(2000), rate of geopolitical population iraqi Kurdistan, sulaimani, the center of kurdistan stratigice researches [in Kurdish].
39. Verma,Shiv Kumar(2007), Energy Geopolitics and Iran- Pakistan-India Gas Pipeline, India, new delhi.
40. www.crisisgroup.org.
41. www.k.r.g.org.
42. www.perleman.org.
43. Zaki, Mohammad Amin(1998), the historice research about kurds & kurdistan, translated by: Habib Alla Tabani, Tabriz, Aydin publication[in persian].